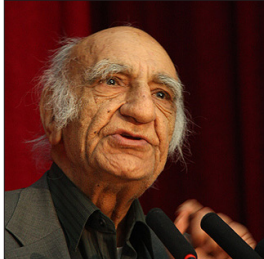


از آن همه دیروز / باز خوانی تاریخ

اومی دانست «تقصیر با مردان است نه زنان»



محمدابراهیم باستانی پاریزی، تاریخ‌دان، نویسنده، پژوهشگر، شاعر و موسیقی‌پژوه، سوم دی ماه ۱۳۰۴ در پاریز متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی و دو سال ترک تحصیل اجباری، در سال ۱۳۲۰ تحصیلات خود را در دانشسرای مقدماتی کرمان ادامه داد. سپس در رشته تاریخ دانشگاه تهران تحصیلاتش را دنبال کرد و این رشته را تا کسب مدرک دکتری ادامه داد. او تا سال ۱۳۸۷ استاد تمام‌وقت دانشگاه تهران بود.

اولین نوشته‌های خود را در سال‌های ترک‌تحصیل اجباری (۱۳۱۸ و ۱۳۱۹) در قالب روزنامه‌ای به نام باستان و مجله‌ای به نام ندای پاریز نوشت، که خود در پاریز منتشر می‌کرد و یا سه مشترک داشت. اولین نوشته او در جراید آن زمان، مقاله‌ای بود با عنوان «تقصیر با مردان است نه زنان» که سال ۱۳۳۱ در مجله بیداری کرمان چاپ شد. پس از آن به عنوان نویسنده یا مترجم از زبان‌های عربی و فرانسه، مقالات بی‌شماری در روزنامه‌ها و مجلاتی مانند خوندنی‌ها، یغما، راهنمای کتاب، آینده، کلک و بخارا چاپ کرده است. اولین کتابش «یغمیگر دزدان» نام دارد که شرح نامه‌های طنزگونه شیخ محمدحسن زیدآبادی است و اولین بار سال ۱۳۳۴ چاپ شده است. وی بیش از شصت عنوان کتاب تألیف و یا ترجمه کرده است.

از میان نوشته‌های او، هفت کتاب با عنوان «سبعهٔ ثمانیه» متمایز است که همگی در نام خود عدد هفت را دارند، مانند خاتون هفت قلعه و آسیای هفت سنگ. بعدا کتاب هشتمی با عنوان هشت‌الهیفت به این مجموعه هفت‌تایی اضافه شده است. او پس از عمری پژوهش در حوزه تاریخ ۵ فروردین سال ۱۳۹۳ درگذشت.

خودزنی / محیط‌زیست

گرسنگی در کمین ۸۰ درصد جمعیت جهان

جهان با بحران خاک‌دست و پنجه نرم می‌کند. از دست رفتن خاک به معنای از دست رفتن منابع غذایی است. تولید هر سانتیمتر خاک از ۱۰۰ تا ۱۰ هزار سال زمان می‌برد و یک سوم خاک حاصل خیز جهان را اکنون از دست داده‌ایم. با وجود این بحران خاک از کمترین توجه رسانه‌ها و کارشناسان بی‌بهره بوده است.

کارشناس مسئول بررسی های آلودگی خاک سازمان حفاظت از محیط زیست با بیان اینکه خاک از چندین لحاظ اهمیت حیاتی دارد می‌گوید: اولین موضوعی که اهمیت بسیاری دارد و خیلی از نگرانی‌های جهان امروز در آن ریشه دارد بحث امنیت غذایی است.

دکتر لادن رضی با اعلام اینکه تا سال ۲۰۵۰ برای ۷ میلیارد نفر از جمعیت احتمالاً ۹ میلیارد نفری جهان خاک مناسب برای تولید غذا نخواهیم داشت می‌گوید: اصلا ریشه اینکه فانو و سازمان ملل نگران وضعیت جهانی خاک شده‌اند برمی‌گردد به همین موضوع امنیت غذا. ما تا کنون یک سوم خاک‌های جهان را تخریب کرده‌ایم. در نشستی که طی آن سال ۲۰۱۵ را به عنوان سال جهانی خاک نام‌گذاری کردند مطرح شد که اگر روند کنونی تخریب ادامه پیدا کند تا سال ۲۰۵۰ سرانه جهانی زمین قابل کشت و زراعت تا یک چهارم میزان سال ۱۹۶۰ تغییر پیدا می‌کند و در سال ۲۰۵۰ وقتی جمعیت ما احتمالاً به ۹ میلیارد نفر برسد میزان خاکی که می‌تواند ماده غذایی تولید کند تنها برای ۲ میلیارد نفر کافی خواهد بود. یعنی ۷ میلیارد نفر غذا نخواهند داشت.

به گفته رضی ارزش دیگر خاک در حفاظت از تنوع زیستی نهفته است چراکه خاک، درون خودش تنوع زیستی دارد و تنوع زیستی جهان هم به آن وابسته است چون اگر خاکی نباشد مرتع و جنگلی نداریم و در نتیجه تنوع زیستی هم نخواهیم داشت و پایه هرم غذایی را از دست خواهیم داد. از سوی دیگر خیلی از دانشمندان می‌گویند حداقل به اندازه تنوع زیستی که روی زمین است داخل خاک هم هست. خاک انواع با کتری ها، قارچ‌ها و میکروارگانیسم‌ها و برخی ماکروارگانیسم‌ها را در خود دارد. کارشناس مسئول بررسی های آلودگی خاک سازمان حفاظت از محیط‌زیست با بیان اینکه تنوع زیستی موجود در خاک نقش بسیار ارزشمندی در ترسیب کربن دارد می‌گوید: الان یکی از راهکارهایی که برای ترسیب کربن و کاهش گازهای گلخانه‌ای مورد بحث است، این است که اگر بتوانیم با کتری‌هایی که ترسیب کربن را انجام می‌دهند داخل خاک هایمان افزایش بدهیم و این با کتری‌ها را از بین نبریم. این‌ها می‌توانند دی اکسید کربن هوا را جذب کنند و به این ترتیب کاهش گازهای گلخانه‌ای را هم داشته باشیم و تحقیقاتی در این زمینه در حال انجام است. به گفته رضی اهمیت دیگر خاک در بحث سیل و خشکسالی است: خیلی از سیل‌هایی که در شمال کشور اتفاق می‌افتد به این دلیل است که جنگل را در سرراشیمی از بین برده‌اند. وقتی جنگل را در سرراشیمی از بین می‌برید، یک بارندگی متوسط، ونه یک بارندگی سخت و سیل آسا، باعث فرسایش شدید خاک می‌شود. یعنی ماده‌ای که قدرت نگهداری آب را داشته است و آب را در خودش نفوذ می‌دهد دیگر رفته است و دیگر هیچ چیزی مانع آب نیست و این موضوع منجر به بروز سیلاب‌های وحشتناک می‌شود. (منبع: مهر)



فارسی را پاس بداریم

اندر نسبت شهرداری تهران با زبان فارسی و آموزه‌های دینی

شهرداری تهران به ما ساکنان نگون بخت پایتخت کم لطف نکرده است. ما که نرفته‌ایم و ندیده‌ایم اما از آنها که رفته‌اند و دیده‌اند. بسیار شنیده‌ایم که تهران در مقایسه با شهرهایی مثل پاریس و لندن، به مراتب تمیزتر است. شهرداری برای این پاکیزگی شبانه‌روز زحمت می‌کشد. برای توسعه حمل و نقل عمومی زحمت می‌شد. برای گسترش فضای سبز و آتوپان زحمت می‌کشد و… اینها را گفتیم که بدانید من آدم نمک‌شناسی نیستم. اما شهرداری در کنار همه این کارهای ارزشمند، کار دیگری هم می‌کند که به شدت توی ذوق می‌زند و مایهٔ عذاب من است. توی مترو، در خیابان، در اتوپان و در جای جای شهر، چشم مردم به جمله‌هایی می‌افتد که برای ارشاد و هدایت و راهنمایی و تربیت و آگاهی شهروندان تهرانی در معرض دید قرار گرفته‌اند. نمی‌دانم گرفتاری و فشار ناشی از زندگی در این تهران شلوغ پرجمعیت ترافیک‌زده، اصلا به مردم اجازه می‌دهد این جمله‌ها را بخوانند و ارشاد شوند یا نه. اما راستش را بخواهید بنده که به اقتضای شغلم بی‌آنکه بخوام، این جملات را حتما می‌بینم و می‌خوانم، تا به حال نه تنها ارشاد نشده‌ام، بلکه اعصابم از آنچه

کارآگاه در جست‌وجوی یک زن بدنام آسیایی

نگاهی به **رمان پلیسی – جنایی «مرد است و قتلش، آقا کمال!»**

مهاجرت میلیون‌ها ترک به کشور آلمان و بده‌بستان میان میهمانان و میزبانان باعث حل شدن تدریجی ترک‌تبارها در جامعه آلمان شده است، اما با همین فرض خوشبینانه نیز انتخاب یک کارآگاه ترک‌تبار به عنوان شخصیت محوری و در واقع قهرمان رمانی پلیسی-جنایی در این کشور که همیشه گرایش‌های نژادپرستانه در آن پررنگ بوده و هست، انقدر عجیب و متفاوت به نظر می‌رسد که پیش‌بینی عدم اقبال عمومی مخاطبان ویدل شدن به‌تجربه‌ای ناموفق بسیار پررنگ بوده باشد. اما یاکوب آرزونی با رمان‌هایی که با محوریت شخصیت کمال کایانکایا نوشت به توفیقی غیرقابل انتظار دست یافت. چنانکه بسیاری این آثار را یک اتفاق در ادبیات آلمان محسوب کردند. اما این شخصیت ترک‌تبار چه ویژگی‌هایی داشت که توانست با وجود چنین شرایطی به یک شمالیل محبوب در میان کارآگاهان برآمده از ادبیات پلیسی آلمان بدل شده و حتی شهرتش به آن سوی مرزها نیز کشیده شود؟

کمال کایانکایا بی‌شک بسیار مدیون توانایی‌های خالق خود یا کوب آرزونی است. نویسنده‌ای خوش قریحه که هم شناخت خوبی از ادبیات پلیسی و قواعد آن داشت و هم جامعه پیرامون خود را خوب می‌شناخت و البته مهم‌ترین اقلیت حاضر در این جامعه یعنی ترک‌تباران را، به اینها بیفزاید قدرت قلم و ذوق و هوش یک نویسنده جدی را.

کمال کایانکایا به دلیل بزرگ شدن در خانواده‌ای آلمانی همه امتیازات یک فرد آلمانی را دارد، با وجود این همانند کسی که از اصل خود دور مانده، گاه احساس غربت و بیگانگی می‌کند. کایانکایا گویی نماد ترک‌تبارانی است که هیچگاه توانسته‌اند در جامعه آلمان حل شوند.

یاکوب میکلسون، خالق کمال کایانکایا، نویسنده‌ای آلمانی است که در ۱۹۶۴ در فرانکفورت متولد شد. نام مستعار یا کوب آرزونی را با ترکیب نام خود و نام همسر مراکش‌تبارش ساخت. در

گردش روزگار برعکس است



پرواز را به خاطر بسپار / پرندۀ مردنی‌ست… (فروغ فرخزاد)

با کاروان حله / اخبار هنر

کارگردان «شهرزاد» به دوره صفوی می‌رود



حسن فتحی که این روزها با سریال «شهرزاد» حال و هوای خاصی به شبکه نمایش خانگی بخشیده است، پروژه تازه‌ای را برآی ساخت در تلویزیون کلید زده است. کارگردان سریال‌هایی چون «مدار صفر درجه»، «پهلوانان نمی‌میرند» و «شب دهم» قصه‌ای را برای روایت انتخاب کرده که زمان آن در دوران صفویه می‌گذرد. او که علاقه خاصی به ساخت سریال‌هایی در مقاطع گذشته تاریخ ایران دارد، تا به

حال آثار مختلفی را در دوره قاجار، قاجار، پهلوی اول و دوم خلق کرده است. سریال «شهرزاد» روایتی عاشقانه با رویکردی اجتماعی است که حوادث آن در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد می‌گذرد. امین صدیقی رئیس مرکز گسترش فیلم‌نامهنویسی صداوسیما از آغاز پژوهش و نگارش مجموعه تلویزیونی «هفت پهلوان» به قلم حسن فتحی خبر داده و گفته است: «حسن فتحی این سریال را با هدف احیاء روحیه حماسی و قهرمانی در مرکز گسترش فیلم‌نامهنویسی سازمان به نگارش در می‌آورد که مراحل پژوهش و نگارش آن در یک سال آینده به انجام خواهد رسید.» طبق اخبار منتشرشده، احتمال دارد کار سریال «شهرزاد» به فصل دوم و سوم برسد. در این فاصله حسن فتحی برنامه ساخت یک فیلم سینمایی را هم دارد. داستان «هفت پهلوان» در عهد صفوی و از نامه‌ای از شاه محمد ابدینده خطاب به عنایت (پهلوان نامدار ایرانی) آغاز می‌شود و محتوای این نامه آغازگر حوادثی در قصه می‌شود. سریال «هفت پهلوان» در ۴۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای به قلم حسن فتحی در مرکز گسترش فیلم‌نامهنویسی رسانه ملی پژوهش و به نگارش در می‌آید.

جز نقش تودر نظر نیامد ما را
جز گوی تور هنگر، نیامد ما را
خواب از چه خوش آید همه را در عهدش
حقا که به چشم در نیامد ما را
(سلمان ساوجی، قرن هشتم، رباعیات)

| اوقات شرعی: آذان صبح: ۵:۳۹ | آذان ظهر ۱۲:۰۳ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۵ | آذان مغرب: ۱۷:۱۵ |

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

سال ۱۹۸۵ با نگارش رمان «تولدت مبارک، ترکه!» «در ایران «تولدت مبارک، آقا کمال!») به شهرت رسید. در ۱۹۹۱ فیلمی بر اساس این رمان ساخته‌شد که به دامنه شهرتش افزود. او در سال ۲۰۱۲ پنجمین جلد از مجموعه داستان‌های این کارآگاه ترک ـآلمانی را با نام «برادر کمال» منتشر کرد و یک سال بعد، در ۴۸ سالگی زمانی که کتاب‌های جنایی و کارآگاه ترک‌تبارش در اوج محبوبیت قرار داشتند به دلیل بیماری سرطان با زندگی وداع گفت.

ناصر زاهدی تا پیش از این دو عنوان از پنج کتاب پلیسی یا کوب آرزونی را با اسامی «تولدت مبارک آقا کمال!» و «به سلامتی آقا کمال!» ترجمه و در سری نقاب نشر جهان کتاب به بازار فرستاده بود. «مرد است و قتلش آقا کمال!» اثر دیگری ست از همین نویسنده که به تازگی در همین مجموعه به فارسی در آمده است. نام اصلی این رمان «یک مرد، یک قتل» است که ظاهرا مترجم برای هماهنگی بیشتر میان نام این پنج رمان، آن را تغییر داده است. به هر روی رمان حاضر که در سال ۱۹۹۲ منتشر شده جایزه بهترین رمان سال آلمان را برای نویسنده به ار مغان آورده است. در این رمان نیز ماجرا از زمانی آغاز م شود که کارآگاه کمال مشغول مگس پرانی در دفتر زهوار دررفته خود است تا اینکه مردی آلمانی به سراغ او می‌آید. مردی که عاشق زنی از آسیای شرقی بوده؛ زنی با شغلی نامناسب. جالب اینکه مرد آلمانی که زبان زن آسیایی را بلد نبوده چیز زیادی از او نمی‌داند و حالا کمال کانکایا باید او را که ربوده شده پیدا کند و… (منبع: الف)

افتتاح جشنواره ملی دانشجویی مد و لباس



مراسم افتتاحیه نخستین جشنواره ملی دانشجویی مد و لباس به میزبانی دانشکده شرعیتی صبح روز اول دی‌ماه برگزار شد. دکتر فاطمه مهاجرانی، رئیس دانشکده شریعتی، در ابتدای این مراسم گفت: سال هاست رشته طراحی لباس در دانشکده‌ها تدریس می‌شود اما در بازار کمتر نشانی از طرح‌های طراحان می‌بینیم. این موضوع نشان‌دهنده فاصله موجود بین دانشگاه و صنعت است. او با اشاره به اینکه دنباله‌دار

شدن این جشنواره‌ها اهمیت زیادی دارد افزود: اگر این برنامه‌ها ادامه پیدا کند و بین‌المللی شود می‌توانیم ادعا کنیم فعالیت مثبتی در این زمینه انجام داده‌ایم. در سالن میلاد دانشکده شریعتی ۱۰۰ اثر برگزیده از میان ۶۰۰ اثر در یافتی از دانشجویان سراسر کشور به نمایش درآمده است. این آثار در قالب مانتوی اجتماع، مانتوی مجلسی، چادر و لباس فرم به همراه شناسنامه اثر نمایش داده شد. در بخشی از سالن که به میزبان این جشنواره اختصاص دارد لباس‌های موجود در آرشيو دانشکده شریعتی به نمایش درآمده است. این لباس‌ها که پروژه‌های دانشجویی بوده‌اند در قالب لباس تاریخ اروپا، لباس ایران باستان و لباس اقوام ایرانی به نمایش درآمده‌اند. در غرفه‌های دور سالن هم علاوه بر آثاری در زمینه زیورآلات و لباس، غرفه‌هایی به مجلات تخصصی پوشاک، لوازم خیاطی و مؤسسات آموزشی اختصاص یافته است. بخش دیگری از سالن به برگزاری کارگاه‌های روزانه اختصاص دارد و در کنار این بخش غرفه‌ای برافروش لوازم مورد نیاز کارگاه‌هر روز وجود دارد. نخستین جشنواره ملی دانشجویی مد و لباس تا ۷دی‌ماه در دانشکده شریعتی برگزار می‌شود.

درست بودن رعایت شده باشد، اما دواصل دیگر مهجور مانده‌اند.
به واژه «دفع» در این عبارت دقت کنید تا عرضم را بهتر در یابید.
متولیان امور فرهنگی در مدیریت شهرداری و سازمان زیباسازی به این فکر نمی‌کنند که وقتی جمله‌ای را در ابعاد چند متر در چند متر، در معرض دید عموم قرار می‌دهند باید در انتخاب آن دقت کنند.
زبان فارسی انقدر واژه زیبا و رسا و درست دارد که مجبور نباشیم در ترجمه حیثی از امیرالمومنین از کلمه «دفع» استفاده کنیم.
چه می‌شد که به جای این ترجمه دم‌دستی و غیرفصیح، می‌نوشتیم: «صله رحم عذاب را دور می‌کند» یا «صله رحم انسان را از عذاب می‌رهاند» یا…

واقعا متولیان امور فرهنگی در مدیریت شهری انتظار دارند با این قبیل کوتاهی‌ها و بی‌وجهی‌ها به زبان فارسی بتوانند بر اخلاق و منش شهروندان تهرانی تاثیر بگذارند؟
باور فرمایید این دوستان با این شیوه نه تنها به زبان فارسی بدمی‌کنند، بلکه آموزه‌های دینی را هم به چشم مردم بی‌ار ج می‌کنند.
به قول شیخ اجلّ سعدی شیرازی: تو که قرآن بدین نخط خوانی / ببری رونق مسلمانی